

گفت‌وگو باکامبیز نوروزی حقوقدان و استاد ارتباطات

# در حفظ حریم خصوصی، عرف از قانون پیش‌تر است



– اجازه بدهید بحث را با تعریف حقوقی حریم خصوصی شروع کنیم. بحث درباره مصادیق این حریم بسیار زیاد و گاهی مبهم است اما به نظر می‌رسد قوانین کشور درباره آن کلی باشد. تعریف شما به عنوان یک حقوقدان از حریم خصوصی چیست؟

خوب است قبل از هر چیز این را بگویم که مفهوم حریم خصوصی در ادبیات حقوقی و اخلاقی ایران مفهوم نسبتاً جدیدی است و طی ۱۰، ۱۲ سال اخیر است که این واژه را از گروه‌های مختلف می‌شنویم که از زوایای مختلفی مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین وجود ابهام در این مفهوم طبیعی است. مفاهیم اجتماعی به تدریج شکل می‌گیرند که البته این به آن معنا نیست که نتوانیم تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه دهیم.

وقتی سوال درباره قوانین است، لازم می‌دانم بگویم معیارها و مصادیق حریم خصوصی بیشتر تابع عرف است تا قانون. یعنی به تناسب نظام اجتماعی و مدل فرهنگی هر جامعه‌ای می‌شود این مفهوم را تبیین کرد. از دیدگاه بنده و در یک تعریف کلی می‌شود این‌طور گفت که حریم خصوصی بخشی از زندگی افراد است که عرفاً اغلب آدم‌ها مایل نیستند آن بخش از زندگی‌شان در معرض اطلاع عموم قرار گیرد.

با چند مثال ساده روشن می‌کنم. مثلاً میزان درآمد یکی از این نمونه‌هاست. معمولاً افراد تمایلی ندارند دیگران درآمدشان را بدانند، یا نحوه زندگی در داخل منزل؛ اینکه چه می‌خوریم، چه می‌پوشیم، چه موسیقی گوش می‌دهیم و در کل سبک زندگی‌مان در خانه چیست. این هم جزء حریم خصوصی ماست. یا جزئیات زندگی شغلی هم باز یکی از مصادیق حریم خصوصی است.

اغلب آدم‌ها در فرهنگ‌های زیادی تمایل به عمومی شدن این موارد هر چند ساده ندارند. نقش فرهنگ عمومی جوامع را می‌توانم در نمونه ساده‌ای بگویم. معماری ایرانی همیشه یک معماری پوشیده است. پنجره‌ها و پرده‌ها به نوعی طراحی می‌شود که از بیرون داخل ساختمان دیده نشود. در گذشته که اصلاً اندرونی و بیرونی داشتیم، در زندگی امروز هم پنجره‌های کوچکی داریم که همیشه هم پرده دارد اما در بسیاری از کشورها این سبک معماری وجود ندارد. اینجا می‌بینیم جریان زندگی شخصی ما ایرانیان در خانه در کل محرمانه‌تر از بسیاری فرهنگ‌ها تلقی می‌شود.

– در حقوقی مثل حق تنها بودن یا حریم شخصی به دلیل سبک‌های مختلف زندگی افراد محدودیت زیادی در صدور قوانین کلی وجود دارد. آیا می‌توان این تعریف را قانونمند کرد؟

بله. در حال حاضر هم درست است که قانون خاصی در این مورد نداریم، اما مبنای حقوقی‌اش را داریم. در اصل ۲۲ قانون اساسی، حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است. این اصل پایه حریم خصوصی است.

– منع تفتیش عقاید را هم می‌توانیم به عنوان یکی از بنیان‌های حقوقی این بحث تلقی کنیم؟

بله، دقیقاً. چون یکی از مصادیق حریم خصوصی عقاید اشخاص است. ممکن است اشخاص دوست نداشته باشند دیگران از عقایدشان مطلع شوند، بنابراین ورود در حوزه تفتیش عقاید دقیقاً نمونه نقض حریم خصوصی افراد است. مبنای حقوقی این موضوع در اصل ۲۳ قانون اساسی وجود دارد. – پس باز به مانع مکرر خلاء قانونی برمی‌خوریم. نه، اتفاقاً مبنای آن نبود قانون را خلأ و نقص نمی‌بینم. مخصوصاً اینکه وقتی در تقلاها و تلاش‌های عرفی ما به یکسری مفاهیم می‌رسیم این از عمق و پایداری بیشتری برخوردار است. اجازه بفرمایید عرض کنم شخصاً سابقه خوبی از تجربه قانونگذاری ایرانی در مورد مفاهیم جدید و دموکراتیک ندارم. مفاهیمی مثل حریم خصوصی از مفاهیمی است که در نظام‌های دموکراتیک حقوقی و سیاسی مطرح می‌شود. بنابراین قانونگذاری صحیح زمانی اتفاق

می‌افتد که آن ساختار از نظر دموکراتیک بودن در یک محدوده قابل‌ی باشد و نظام حقوقی و قانونگذاری هم نظام دموکراتیکی باشد. اگر این شرایط مهیا نباشد ما در قانونگذاری برای مفاهیم دموکراتیک با مشکل مواجه خواهیم شد.

– پس اعتقاد دارید عرف ما در این مورد موثرتر از قانون است؟

اگر ما این اشتباه و خطای تاریخی را کنار بگذاریم که برای عنصر زمان هیچ نقشی قائل نیستیم و بپذیریم خیلی از مفاهیم باید به تدریج شکل بگیرند، می‌توانیم بگویم این اتفاق دارد در مورد حریم خصوصی می‌افتد.

– در کل در عرف و قانون ما چه مصادیقی برای حریم شخصی تعیین شده و مورد پذیرش قرار گرفته است؟

یکی از این مصادیق سکونتگاه‌ها هستند. یعنی هر مکانی که به طور دائم یا موقت محل زندگی فرد باشد حریم شخصی اوست. ممکن است این سکونتگاه خانه باشد یا اتاق یک هتل یا حتی خیمه یا چادری باشد که فرد می‌خواهد به مدت چند ساعت در آنجا سکونت داشته باشد. دفاتر و مراکز کار خصوصی که افراد برای ورود به آن به هر نوع نیاز به هماهنگی و وقت قبلی دارند نیز جزء این حریم است. وسایل شخصی افراد، عقاید و اندیشه و احساسات فرد هم جزء حریم خصوصی افراد است. همچنین مکاتبات و مراسلات افراد با هر تکنولوژی‌ای که باشد جزء حریم خصوصی است. چهره و صدا و بدن فرد هم جزء حریم خصوصی‌اش است. بنابراین نمی‌توان از کسی بدون اجازه او عکس گرفت. مگر در مکان‌هایی مثل استادیوم‌ها، ورزشی یا میتینگ‌های سیاسی که فرد با هر جایگاهی با این آگاهی وارد آن می‌شود که ممکن است تصویر او در دوربین‌ها ثبت شود.

ولی عکاسی از این فرد در مکانی مثل رستوران حریم خصوصی آن فرد را نقض می‌کند. مکان‌های مربوط به سازمان‌های عمومی، غیر از مکان‌های نظامی و امنیتی، در حوزه عمومی قرار می‌گیرند و کسب خبر از آنها مجاز است. مثلاً سخن علنی از تقاضای برخی نمایندگان مجلس برای محدوده کردن عکاسان خبرنگار، برای عکاسی در محوطه مجلس بود که خوشبختانه فعلاً به تصویب نرسیده است. عکس‌های زیادی از نمایندگان منتشر شده است که مثلاً روی صندلی چرت می‌زنند، یا گوشه‌ای چهارزانو روی زمین نشست‌اند. خب از طرفی فردی که ساعت‌ها در این جلسات شرکت می‌کند خسته می‌شود و طبیعی است که لم بدهد، از سوی دیگر عکاس برای کسب و ثبت تصاویر خبری آمده است. او هم نمی‌تواند از این سوژه بگذرد. در واقع نه آن نماینده کار غیرقانونی و عجیبی کرده است و نه آن عکاس. در واقع در این موقعیت نماینده مجلس در زمره آن دسته افراد است که به انتخاب عمومی به یک منزلت عمومی رسیده و در جایی مانند سخن مجلس چهره و صدایش مشمول احکام حریم خصوصی نیست. البته از باب آزادی مطبوعات هم اگر عکاس را برای عکسبرداری از چنین فضایی محدود کنند، این یک اقدام کاملاً مغایر با مبانی حقوق و آزادی‌های مطبوعات است.

– مسوولیت نقض یا حفظ این حریم بر عهده چه کسانی است؟ چون تا اینجا بحث به رسانه‌ها اشاره کردید.

از هر چیزی که به عنوان حریم خصوصی نام می‌بریم، به این معناست که هیچ کس حق ورود و کسب اطلاعات از آن حوزه را ندارد؛ چه خبرنگار و چه غیرخبرنگار. حتی پلیس هم اجازه ورود به آن حریم را ندارد. تنها مقامی که حق ورود به حریم شخصی افراد را دارد قاضی است. قاضی هم برای ورود به حریم خصوصی فرد باید دلیل موجه قانونی داشته باشد و نمی‌تواند بدون دلیل دستور ورود به حریم خصوصی فرد را بدهد. اینکه چرا خبرنگاران بیشتر در معرض این بحث قرار می‌گیرند به این دلیل است که کار خبرنگار یک چیز است: کسب

خبر. اصلاً حرفه خبرنگار کسب خبر است. وظیفه خبرنگار این است که خبر را کسب کند و برای انتشار به رسانه‌ای که برایش کار می‌کند، بدهد. چون کار خبرنگار خبرگیری است، خبرنگاران بسیار بیش از دیگران در معرض مفهوم بحث حریم خصوصی قرار می‌گیرند. این گروه بیش از دیگران با این چالش درگیر می‌شود که چه چیزی حریم خصوصی است و چه چیزی نیست. اینهایی که گفتیم همه مصادیق مسلم حریم خصوصی است و خبرنگار هم مجاز به ورود به هیچ یک از این موارد نیست.

– خب فرض کنیم معامله‌ای انجام شده است. اگر این معامله را یا هر رقمی شما انجام داده باشید، به من ربطی ندارد ولی اگر یک چهره سیاسی، یا کسی که متهم به فساد اقتصادی است طرف این معامله باشد چطور؟

این بحث برمی‌گردد به استثنای‌های حریم خصوصی. مصادیق سر جای خود هستند اما در مواردی این حریم بسیار محدود است. اشخاص و گروه‌هایی هستند که در بحث حریم خصوصی باید در استثنا قرار گیرند. این اشخاص کسانی هستند که از طریق انتخاب رسمی یا غیررسمی جامعه به منزلت‌های خاصی رسیده‌اند. این افراد خیلی حریم کوچک‌تری دارند و تا حدود زیادی می‌شود وارد آن شد. اشخاصی هستند که از طریق انتخاب رسمی و مستقیم انتخاب شده و مسوولیت می‌گیرند مثل رئیس‌جمهور یا نمایندگان مجلس و اعضای شورای شهر. هر مقامی که در پروسه انتخاب یک مرحله‌ای یا دومرحله‌ای باشد مثل شهردار، اولین گروه استثنای حریم خصوصی است و خیلی از مقامات هم هستند که از همین نظام انتخابی منصوب می‌شوند یعنی مردم رئیس‌جمهور را انتخاب کرده‌اند، رئیس‌جمهور وزیر می‌گذارد و وزیر هم معاون را منصوب می‌کند. این مجموعه استثنای این بحث است. عده‌ای هم به طور غیررسمی انتخاب می‌شوند، مثل هنرمندان و ورزشکاران یا بسیاری از فعالان سیاسی یا مدنی. کسی نرفته است پای یک صندوق رای به هنرمند یا یک فعال سیاسی رای دهد. او مورد اقبال مردم قرار گرفته و یک هژمونی‌ای کسب کرده که موجب می‌شود زمانی که پا در میدان بازی می‌گذارد، صد هزار نفر برایش هورا بکشند. یا در سطوحی از فعالان سیاسی و مدنی هستند افرادی که هر مصاحبه یا مطلبی که می‌نویسند مورد اقبال قرار می‌گیرند. این افراد کسانی هستند که رفتارشان در جامعه‌ای که آنان را پذیرفته، تاثیر مستقیم می‌گذارد. خیلی ساده عرض کنم کافی است یک هنرمند مدل لباس خاصی بپوشد تا سبک پوشش او مد روز شود. بنابراین جامعه اینجا این حق را دارد که بفهمد این فرد که به هر طریق انتخاب شده و مورد تایید اوست، چه می‌کند.

– هر چقدر پیش می‌رویم پیچیدگی حدود این حریم هم بیشتر روشن می‌شود. درباره همین افراد مشهوری که حق زیر ذره‌بین بودن‌شان را برای مردم به رسمیت می‌شناسیم، چه مواردی وجود دارد که از نظر حقوقی و اخلاقی حق پرداختن به آن را نداریم؟

محدوده‌هایی وجود دارد که قانون و اخلاق مشخص کرده است. اطلاعاتی که از این فرد منتشر می‌شود نباید ناقض قانون باشد. فرض کنید مثلاً سوژه یک هنرپیشه مشهور است، ولی تصویری که خلاف اخلاق حسنه جامعه باشد به هر حال نباید منتشر شود. در حوزه حقوق و اخلاق خبرنگاری می‌شود این حکم را داد، که هر خبری که یک اتهام و افترا را قبل از اثبات علیه فردی طرح کند، اتفاق غیراخلاقی و غیرقانونی رخ داده است. خبرنگار و رسانه صلاحیت و حق افترا زدن ندارد. خواه سوژه مسوول منتخب باشد، خواه یک چهره اجتماعی، خواه یک فرد عادی. البته این را هم اضافه کنم که چنین مواردی به ندرت رخ می‌دهد و عموماً با اقبال مردم دست‌کم مخاطبان جدی رسانه‌ها مواجه نمی‌شود. یک مورد بسیار مهم که از این مورد می‌توانم مثال بزنم فیلمی بود که چند سال پیش از یک خانم هنرپیشه منتشر شد. خیلی جالب بود که واکنش

عمومی نسبت به این فیلم حتی در بسیاری از سطوح رسمی این بود که این رفتار هر چه هست، در حریم خصوصی‌اش رخ داده و حتی کمپین‌هایی در فضای عمومی شکل گرفت که دیدن این فیلم را تحریم می‌کرد. و دقیقاً اینکه این فیلم زمانی پخش شد که این هنرپیشه می‌رفت تبدیل به یک ستاره شود ولی با این حال جامعه این‌تعرض به حریم خصوصی را نپذیرفت.

– برمی‌گردیم به همان بحث اول‌تان که اشاره کردید. عرف پیش‌تر از خلأهای قانونی است. دقیقاً، واقعاً من به این اعتقاد دارم که در بسیاری از موارد قانون در جامعه ما برای ایجاد عرف‌های جدید ایجاد مزاحمت می‌کند. قانون می‌خواهد یک نظم ایجاد کند ولی هیچ وقت نمی‌تواند آن ظرافت‌هایی را که عرف می‌فهمد، درک کند. قانون اگر از قلب این عرف بیرون نیاید، حکمی می‌دهد که مانع شکل‌گیری و استمرار عرف‌های مثبت و موثر می‌شود. آن فیلم نمونه واکنش عرفی در ابعاد اجتماعی بود. در بستر سیاسی هم شاهد این عرف مثبت هستیم. مثلاً در جریان رقابت‌های انتخابات ۸۸ اطلاعاتی درباره کاندیداهای رقیب منتشر می‌شد که این اطلاعات چندان مورد استقبال قرار نمی‌گرفت. مثلاً لطفیه‌هایی علیه کاندیداها در اس‌ام‌اس‌ها پخش می‌شد که به رغم فضای بانشاط انتخاباتی، بسیاری از لطفیه‌هایی که پا به حریم شخصی کاندیداها گذاشته بود، خودبه‌خود حذف می‌شد.

– ما بارها شاهد پخش دادگاه یا حتی دستگیری متهمان سیاسی یا اجتماعی از رسانه صدا و سیما بوده‌ایم. یا مثلاً در سال‌های اخیر

پلیس طرح‌هایی مثل طرح امنیت اجتماعی را در حضور عکاسان و خبرنگاران اجرا کرد. مسوولیت این نهادها در قبال حفظ حریم خصوصی افراد چیست و چه ارزش‌یابی‌ای از عملکردشان دارید؟

اتفاقا در اینجا نکته مهم این است که در تولید هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، سازمان‌های عمومی نقش بسیار موثری دارند. اگر بپذیریم که حریم خصوصی محترم است و نباید نقض شود، سازمان‌های عمومی باید در این روند پیشرو باشند. شخصاً در بسیاری از مواقع منتقد اقدامات نیروی انتظامی بوده‌ام. گرداندن متهمان (توجه کنید که با محکوم مواجه نیستیم) در خیابان‌ها از خیلی جهات قابل نقد است. یکی از آن موارد نقض حریم خصوصی است یا همین الان بحث جمع‌آوری ماهواره است. همان طور که عرض کردم طبق آیین دادرسی عمومی حکم عمومی برای ورود به خانه افراد نمی‌شود صادر کرد و هیچ قاضی‌ای هم نمی‌تواند چنین حکمی صادر کند. جرم هم مسلماً از مصادیق جرائم مشهود نیست ولی خب در برخورد‌های پلیس شاهد عملکرد دیگری هستیم.

– در یکی از خبرهای چند هفته اخیر که مربوط به یک تجاوز گروهی در خانه شخصی بود، بحث حریم خصوصی در مقابل مواردی مثل لزوم حفظ حجاب و... طرح شد. اگر طبق تعریف شما سکونتگاه حریم خصوصی فرد است، چرا شاهد چنین اظهارنظرهایی بودیم؟

این‌س به واقع یکی از مشکلاتی است که با آن درگیر هستیم و به قطع چنین اظهارنظرهایی از حیث حفظ نظم و امنیت عمومی بسیار خطرناک است. شاهد یک اغتشاش معنایی گسترده در حوزه مفهوم قانون و حقوق هستیم یعنی هر کسی خود را در موضع اظهارنظرهای قاطع و موثر قرار می‌دهد. اما اشخاصی که در مصدر امور هستند و مسوولیت‌های اجرایی دارند، باید توجه کنند که سخنان‌شان می‌تواند نقش اجرایی داشته باشد. این سخن به طرز عجیبی حیرت‌آور است که اگر آن زنان حجاب داشتند، این اتفاق نمی‌افتاد. اولاً طبق اخبار، متجاوزان و تبهکاران صدای اینها را شنیدند. از صدا که حجاب مشخص نمی‌شود، در ثانی بی‌جایی جرم و فعل حرام، قبول و می‌پذیریم. این جرم و این گناه سنگین‌تر است یا تجاوز به عنف؟ ظاهر به فعل حرام چند ضربه شلاق دارد. مجازات تجاوز به عنف مرگ است. کسی که می‌خواهد اظهارنظر کند موظف است به واسطه آن مستندی که از سازمان عمومی کشور اشغال کرده است، سخن سنجدیده بگوید. این سخن آیا موجب متنبه شدن زنان می‌شود یا موجب تجری متجاوزان؟ می‌گویم حتی پلیس و قاضی هم با رعایت محدودیت‌هایی حق ورود به خانه و حریم شخصی افراد را دارند، این سخن که متجاوزان را به نوعی مجاز به این تعدی می‌شناسد، چطور باید تحلیل و هضم کرد.

– برگردیم به موضوع رسانه‌ها. شما چه ارزیابی‌ای از عملکرد رسانه‌ها در قبال تعهد به حریم شخصی افراد دارید؟

من در جمع معدل خوبی به رسانه‌های فارسی‌زبان می‌دهم و تصور این است که در مواردی هم که رعایت نشده بیشتر ناشی از کمبود تجربه در لزوم و شناخت ابعاد حریم خصوصی بوده است. البته بعضی رسانه‌ها هم بی‌پروایی‌های زیادی در این زمینه کرده‌اند، به خصوص رسانه‌هایی که به هر دلیل چون چندان مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند، آسوده‌خاطر بوده‌اند.

به غیر از این رسانه‌ها، نشریات عامه‌پسند و ورزشی باید بیشتر به موضوع حریم خصوصی توجه کنند. اما فارغ از این موارد اگر فضای رسانه‌های رسمی کشور را منحصر به رادیو و تلویزیون ندانیم و عملکرد صدها نشریه مختلف را که در سطح کشور منتشر می‌شوند، ملاک قرار دهیم رسانه‌های ایران از حیث رعایت موازین حریم خصوصی شرایط نسبتاً قابل قبولی دارند.